



نظری بر زیربنای تئوریک جغرافیای کنونی ایران با تأکید بر جغرافیای شهری (قسمت دوم)

دکتر مصطفی مؤمنی
استاد گروه جغرافیا - دانشگاه شهید بهشتی

۳. اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها درباره جغرافیای شهری ایران ۱-۳. مقدمه

پیشینه طرح فلسفه جغرافیا، روش‌ها و مکتب‌های جغرافیایی و کاربرد آن‌ها در جغرافیای شهری ایران به دهه ۱۳۴۰ برمی‌گردد. در آن برهه، دو کتاب ارجمند انتشار یافت. در سال ۱۳۴۹، کتابی با محتوای فلسفه جغرافیا و به نام «فلسفه جغرافیا»^۱، توسط دکتر حسین شکویی عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشگاه تبریز تألیف شد. وی در این کتاب، به بررسی برداشت‌های جغرافیایی، مفاهیم و مکتب‌های جغرافیای انسانی و مفاهیم و قلمروهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی نیز پرداخته است. بدین ترتیب، سهم مهمی در اندیشه پردازی دانشجویان جغرافیا ایفا کرده است.

اما نخستین کتاب در زمینه روش‌های شهرشناسی جغرافیایی و مسأله‌شناسی شهرهای ایران کتابی است به نام «مقدمه‌ای بر روش تحقیق شهری ایران» تألیف دکتر فرید، که در سال ۱۳۴۹ منتشر شد.^۲ ایشان در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «تحقیق جغرافیایی شهرها، به واقع ترسیم و تشریح شکل تجمع و نوع فعالیت انسان‌ها در مناطق شهری است. در ایران، هر واحد جغرافیایی را وقتی شهر می‌نامیم که عدد جمعیت آن از پنج هزار نفر بگذرد و طبقه غیرزارعی آن از ۵۰ درصد جمعیت فعال ده ساله به بالا کم تر نباشد... جغرافیدان در زمان حال به مطالعه شهرها می‌پردازد و حیات درونی و سیمای بیرونی شهر را با همه تباین‌ها و تضادها، ترسیم می‌کند و با درک ویژگی‌ها و سنجش ارزش‌های جغرافیایی هر شهر، راه عمران و برنامه‌ریزی شهری را می‌گشاید. بدین وسیله با شناخت همه عوامل جغرافیایی مؤثر در تکوین، بافت و ریشه‌گیری شهر، آینده آن را نیز از لحاظ مسیر، بستر و آهنگ توسعه تبیین می‌کند و با تعیین نوع برنامه‌ریزی‌ها در جهت هماهنگ ساختن عمران شهری با مشخصات جغرافیایی شهرها کام برمی‌دارد.»^۳

وی در این کتاب
کوشیده است،

«روش راستینی در شناخت ویژگی‌های جغرافیایی شهر و تهیه مونوگرافی‌های شهری طرح کند و با توجه به وسعت میدان مطالعه و نگرش به جغرافیا، راهی برای پژوهش در جهت کاربرد مفاهیم نظری این علم به سوی عمل بگشاید. باشد که دانشجویان جغرافیا و علوم اجتماعی که گروه اخیر، جغرافیا را به عنوان زیربنای مطالعات خود پذیرفته است، و سایر محققان امور شهری را به کاوید و در تحقیقات شهری و کوشش‌های مربوط به عمران شهرها که امروزه از اساسی‌ترین مسائل کشور ما به شمار می‌روند، مددکار آنان باشد.»^۴

فرید در مقاله اساسی خود به نام «بررسی کار و نقش شهرهای ایران با داده‌های آماری» در سال ۱۳۵۴، توانسته است، فصل دوم از بخش اول و فصل دوم از بخش دوم کتاب مقدمه‌ای بر روش تحقیق شهرهای ایران خود را گسترش بیش تری دهد و به نتایج ارزنده‌ای نیز برسد. وی در ابتدای مقاله خود، به درستی اعلام می‌کند که «بی‌گمان شهر در مجموعه جغرافیایی هر ناحیه، با تعیین کار و وظایف آن لمس می‌شود و مقام و منزلت ساکنان فعال آن در سیستم روابط اقتصادی و اجتماعی معینی، ویژگی‌های جغرافیایی حال و آینده آن ترسیم می‌کند... بنابراین شهر، واحدی جغرافیایی است که بر حسب توان فعالیت و به مقتضای نقشی که ایفا می‌کند، می‌تواند میدان مغناطیسی و قلمرو جاذبه و نفوذ متفاوتی داشته باشد. اما نقش شهر تابع و ناظر بر ویژگی‌های ناحیه و کشور است.»^۵

دکتر فرید مطالعه نقش شهرها را در دو سطح متفاوت امکان‌پذیر می‌داند: ۱. بررسی نقش مجموعه شهرهای کشور، ۲. مطالعه نقش تحلیلی هر شهر.^۶ وی روش جغرافیایی جغرافیدانان برجسته فرانسوی شادروان پروفیسور دکتر ژاکلین بوژوگاریسه^۷ و ژرژ شاپو^۸ را اساس کار خود در تعیین نقش شهرهای ایران قرار می‌دهد و آن را می‌آزماید. او این روش، ابتدا ۵۹ شهر و سپس ۱۷۶ شهر از ۲۴۹ شهر را با استفاده از نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۴۵ ایران برمی‌گزید و آن‌ها را به «شهرهای کشاورزی، شهرهای چندنقشی، شهرهای بازرگانی، شهرهای خدماتی و شهرهای صنعتی» تقسیم کرد.^۹

دکتر فرید، کتاب باارزش «سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی» (۱۳۵۷)، در زمینه‌هایی اندیشه‌گزارای نیز می‌کند که ضروری‌ترین مقوله در جغرافیای ایران است و می‌گوید، تا زمانی که ماهیت سیر تفکرات و تحول آرا، نظرات و دیدگاه‌های جغرافیدانان به نام جهان در زمینه جغرافیای انسانی و مصداق‌های علمی آن‌ها روش



نشود، جغرافیا در ایران به درستی فهم نخواهد شد و پا نخواهد گرفت. دکتر فرید در فصل سوم از بخش دوم کتاب خود، درباره جغرافیای پیشرو و فعال در کشورهای فرانسه زبان، به قلمروی «جغرافیای شهری»^{۱۱} از دیدگاه پیروژو^{۱۲} استاد عالیقدر جغرافیای فرانسه، که استاد خود او نیز بوده، پرداخته است و در فصل چهارم از بخش دوم، در باب «به سوی جغرافیای عملی»^{۱۳}، به خصوص در زمینه روش ها و الگوهایی از جغرافیای عملی (کاربرد)، درآمدی بر کاربرد جغرافیا در زمینه رفت و آمد شهری و ساخت راه ارتباطی خارج از «محدوده شهرها»^{۱۴} نوشته است. مطالعه این کتاب و این قبیل بحث ها برای جغرافیدانان شهری و دانشجویان این شاخه ضروری است؛ زیرا جغرافیای ایران همواره از نبود شرح و بیان دیدگاه های اندیشمندان بزرگ جغرافیای شهری و نحوه کاربرد آن ها در بررسی ها، رنج برده است. در این کتاب، ما شاهد بحث هایی تفصیلی در این باره هستیم. اما اشارات برخی از اندیشمندان عالم جغرافیای ایران را در این زمینه نباید فراموش کرد.

این نکته را نیز خاطر نشان سازم که دکتر فرید در این کتاب، به مباحثی درباره دیدگاه هایی جغرافیایی، چون: دیدگاه های اکولوژیکی و محیط گرایی، جغرافیای فرهنگی، جغرافیای چشم اندازهای فرهنگی، مکتب اختیار و جغرافیای اجتماعی پرداخته است، اما ما را تنها به کاربرد برخی از این دیدگاه ها در جغرافیای شهری توجه داده است که آن هم به سبب شمول کتاب بر جغرافیای انسانی است و نه به صرف جغرافیای شهری.

۲-۳. نظریه ها، مکتب ها و دیدگاه ها در جغرافیای شهری ایران

در جغرافیای شهری، برای شناخت ماهیت شهر به عنوان واحدی کل و اجزا و عناصر هم پیوند و کارکردهای آن و همچنین تشخیص مرزهای شهر و جایگاه آن در منظومه شهری ناحیه و رابطه شهر و روستا، به شهر، با نگرشی کل گرایانه و سیستمی به روش اصالت اجزا نگریسته می شود. شهرها در هر صورت بندی اجتماعی-اقتصادی، شکل و مضمون و در نتیجه ماهیت خاص خود را می یابند؛ یعنی وحدتی شکلی-مضمونی متناسب با نظام دوران ساز دارند. جغرافیای شهری در تلاش برای شناخت ماهیت شهر، از تحلیل های تکویستی، ساختاری و کارکردی کمک می گیرد تا بتواند شناختی از عوامل و مقتضیات طبیعی، ظرفیت های موقعیتی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر پیدایی، شکل یابی و ریخت زایی سازمان فضایی شهر و همچنین جمعیت و کارکردهای گوناگون درونی و برونی شهر و بالاخره درک قانونمندی های حاکم بر جایگاه شهر در ناحیه و نوع ارتباط ها و تغییر و تحولات شهر به دست دهد. بررسی شهر با روش کل گرایی سیستمی، به معنای پذیرش درستی ساختار و کارکرد نظام شهر و در نتیجه حفظ آن نیست، بلکه با آگاهی از قوانین حاکم بر طرز ساختمان و اداره شهر، می توان در چارچوب دیدگاه های دیگر مثل: اقتصاد سیاسی شیوه پایداری و اداری، نابسامانی ها و نارسایی های سیستم شهر را نیز دریافت و با برنامه ریزی در پرتوی جهان بینی جامعه و دستاوردهای علمی، آن را اصلاح کرد. پژوهش چنین طیف وسیعی از موضوعات، ناگزیر جغرافیای

شهری را از یک سو با رشته های جغرافیای طبیعی و سایر رشته های جغرافیای انسانی و از سوی دیگر با رشته های شهر پژوهی و دانش های مجاور جغرافیا ارتباط می دهد. شاخه هایی از جغرافیا که با جغرافیای شهری تقاطع یا همپوشی موضوعی دارند، عبارتند از: جغرافیای اجتماعی (مثلاً در تحلیل تحرکات خاص گروهی در مناطق مسکونی بزرگ شهری و نیز کارکردشناسی های گوناگون شهری)، جغرافیای بخش سوم اقتصاد (مثل، کجاگزینی یا مکان گزینی و مکانیابی صنایع، خرده فروشی ها و نظایر آن ها)، پژوهش های مرکزیت (مانند، پیوند شهر-پیرامون در چارچوب نظریه مکان های مرکزی)، جغرافیای ارتباطی و حمل و نقل (نظیر پژوهش رفت و آمدهای پیاده درون شهری و مانند آن)، جغرافیای شهری تاریخی (مثل بررسی رشد شهری در دوره های گوناگون تاریخی)، و جغرافیای کاربردی (چون بررسی های آماده سازی برای نوسازی شهری و حفظ و مرمت شهر) و نیز جغرافیای بخش چهارم اقتصاد شهری و جغرافیای اقتصاد غیررسمی شهرها.

رشته های گوناگون علوم مجاور، که جغرافیای شهری مدت هاست با آن ها ارتباط تنگاتنگ دارد و در پژوهش های شهری پیچیده و جامع از آن ها استفاده می کند و با آن ها همکاری متقابل علمی دارد، عبارتند از: «تاریخ شهر، جامعه و اقتصاد» جامعه شناسی (شهری و روستایی و اکولوژی شهری)، «قوم شناسی، علوم اداری، معماری، شهرسازی، علوم ارتباطات شهری، آمار، جمعیت شناسی و کارتوگرافی.

جغرافیای شهری، ضمن این که از نتایج شناخت های علمی این قبیل رشته ها بهره مند می شود، به نوبه خود به دانشجویان این رشته ها انگیزش های گوناگون نیز می دهد. به سبب همین همپوشی بسیار همه جانبه شاخه های جغرافیا با جغرافیای شهری و نیز به لحاظ ویژگی میان رشته ای شهر پژوهی، با سایر علوم انسانی و علوم اجتماعی است که عنوان «شهر پژوهی جغرافیایی»^{۱۵} برای شیوه نگرش، ضروری، فراگیر و یکپارچه به موضوع شناخت «شهر»^{۱۶} یا «فضای تراکم و انبوه شهری»^{۱۷} وضع شده است. شهر پژوهی جغرافیایی، اکنون نه تنها در علوم اجتماعی، بلکه در برنامه ریزی ها و سیاست های شهری بیش تر به صورت دانشی میان رشته ای شناخته می شود که همزمان، فضاگرا، کاربردگرا برنامه ریز گرا و سیاست گراست.^{۱۸}

بحث مقدماتی درباره دیدگاه های جغرافیایی و کاربرد آن ها، با نگرش فوق از جغرافیای شهری، در مقاله خواندنی خانم زهره هادیانی، عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشگاه سیستان و بلوچستان با عنوان «نگاهی بر جایگاه جغرافیای نظریه ای در شهرشناسی جغرافیایی ایران»^{۱۹} طرح شده و کتاب ها و مقاله های اساسی جغرافیایی به زبان فارسی تا تاریخ تدوین مقاله (۱۳۷۲) آمده و مورد استفاده قرار گرفته است.

در آن هنگام، جای بحث تفصیلی درباره جغرافیای نظریه ای و بیان اندیشه ها و دیدگاه های جغرافیایی انتشار یافته، در جامعه علمی جغرافیایی ایران تا حدودی خالی بود؛ هرچند در برخی از کلاس های دوره دکترا، بحث های آن گل انداخته بود. از این رو، به گمان خانم هادیانی: «مشکل اساسی بیش تر پایان نامه ها و رساله های گروه های آموزشی، فقدان دیدگاه با مکتب خاص جغرافیایی است که باید بدان



بهای بیش تری داده شود. مقاله، کتاب، پایان نامه، رساله و حتی گزارش، باید دیدگاه یا دیدگاه‌هایی را اساس کار خود قرار دهند و آن را در عمل بیازمایند... جغرافیای شهری ایران از کمبود نگرش دیدگاهی به مسائل رنج می برد و مطالعات موردشناسی نیز بسیار اندک است.^{۱۹} وی می افزاید: «لازمه پژوهش جغرافیایی، داشتن دیدگاه است. هر مسأله جغرافیایی، بسته به درجه پیچیدگی آن، با یک یا چند دیدگاه گشودنی است. مثلاً، شهرشناسی جغرافیای شهرهای بزرگ و متوسط کشور را، به ویژه اگر قدیمی هم باشند، معمولاً نمی توان با یک دیدگاه، کاملاً بررسی کرد، بلکه بر حسب گذار شهرها از مراحل تاریخی، و با توجه به پیچیدگی کنونی آن ها، باید به کمک چند دیدگاه تبیین شوند. پس تلفیق و ترکیب دیدگاه ها، برای رسیدن به یک پاسخ جامع، ضروری است.»

او دیدگاه‌های اساسی موجود در مطالعات شهرها، از جمله دیدگاه‌های: جغرافیای سیاسی، سیستمی، جغرافیای فرهنگی، کارکردگرایی و ساختاری را بررسی می کند و کاربرد آن ها را در تحلیل شهر پژوهشی جغرافیایی زاهدان مطرح می سازد.^{۲۰} به خاطر لزوم روش شناسی و دانستن و پرداختن به نظریه‌ها، دیدگاه‌ها، و اندیشه‌ها و روش‌های میدانی جغرافیای شهری باید بر این مقاله ارزشمند، چند نکته نیز افزود:

۱. راه تاریخی تکامل اندیشه‌های تئوریک جغرافیای شهری از سایر شاخه‌های جغرافیا و نیز علوم جدا نیست. جغرافیای شهری نیز جزئی از کل ساختمان علم است. رشد سایر علوم موجب رشد جغرافیای شهری نیز می شود و رشد جغرافیای شهری به پیشبرد سایر علوم کمک می کند. از این رو، باید منطق درونی جغرافیای شهری و قوانین خاص رشد آن، در چارچوب شرایط اجتماعی - اقتصادی و خواست‌های زمان، مکاتب آن مطالعه شود.

۲. روش‌شناسی، اساس و هسته علوم و نیز دانش جغرافیای شهری است و دربرگیرنده نظام اندیشه‌های اساسی و اصولی شهرشناسی جغرافیایی است که قاعدتاً از دل تاریخ پژوهش‌های نظریه‌ای و کاربردهای عملی آن برمی خیزد و با فلسفه نیز پیوند تنگاتنگ دارد. بدین ترتیب روش‌شناسی جغرافیای شهری، شامل نظام بسیار گسترده‌ای از اندیشه‌هاست که از جهتی به خاطر رشد علم پدید آمده‌اند. این اندیشه‌ها، در تبیین واقعیت جغرافیایی مورد آزمون قرار می گیرند و بارورتر می شوند و یا این که جای خود را به نظریه کامل تری می دهند. از این رو، روش‌شناسی جغرافیای شهری، نیرویی است که ماهیت، ساختار، جهت کار نظریه‌ای، نقش روش‌ها، و خصصت و کاربرد جغرافیای شهری را تعیین می کند.

روش علمی جغرافیای شهری نیز مانند سایر علوم، عبارت است از: «وسایل،

اسلوب‌ها و روش‌هایی که وصول به حقیقت را آسان می کنند.»^{۲۱} خط مشی جغرافیا همان مسیری است که علم به طور کلی می رود. بنابراین با اندیشه‌های فلسفی نیز گره خورده است.

۲. تئوری‌ها و دیدگاه‌های جغرافیای شهری نیز مانند سایر رشته‌ها و پژوهش‌های علمی، وسیله‌ای ضروری و اجتناب ناپذیر در بررسی‌های علمی به حساب می آیند. اسلوب و اسلوب‌شناسی جغرافیایی، برای رشد کنونی و آتی و برای آینده‌نگری جغرافیایی ضروری است. تئوری یا نظریه، «تبیین منطقی واقعیت‌های قابل مشاهده است. نظریه باید قادر باشد همه واقعیت‌های شناخته شده مربوط به مسأله را تبیین کند و برخی از نتایج را از پیش بیان کند.»^{۲۲}

«در جغرافیای شهری نیز مانند قلمروی هریک از علوم، پژوهنده‌ای که با چراغ تئوری مجهز نباشد، در حکم رهروی است نابینا در سرزمینی سنگلاخی که در جست‌وجوی در و گوهر به هر سو روی می آورد، اما در واقع به گرد خود می چرخد. روشن است که رهاورد چنین رهروی از چنان سرزمینی، جز انبانی انباشته از خرمره نخواهد بود. ولی پژوهنده‌ای که چراغی از تئوری فراهم دارد، چون ناخدایی است که به مدد قطب نما، کشتی خود را هدایت می کند. طریقه استفاده از تئوری به عنوان راهنما، امری بسیار حساس و مهم است و کسی که نداند چگونه از تئوری استفاده کند، وضع و حالش بهتر از احوال کسی که بی بهره از آن است، نخواهد بود. در جریان پژوهش، تئوری نباید چون آیه‌هایی آسمانی و احکامی لایتغیر و لازم‌الاتباع تلقی شود، بلکه تئوری و واقعیت‌ها باید در برخورد با یکدیگر و نسبت به یکدیگر، متقابلاً نقش محک را داشته باشند...»^{۲۳} جغرافیای ایران، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، در اسلوب‌شناسی، ماهیت و کاربرد سیر تکاملی ارزنده‌ای را طی کرده است. دو جغرافیدان برجسته شهری ایران دکتر حسین شکویی و دکتر یدالله فرید، به طور مؤثر و عمیق درباره مکتب‌ها، تئوری‌ها و دیدگاه‌های جغرافیای شهری، بحث‌های مفیدی را مطرح ساخته‌اند. این بحث‌ها که در جغرافیای شهری غرب ریشه دارند، پاسخی است ضروری به لزوم وجود دیدگاه و طرح نظریه در جغرافیای شهری ایران.

شکویی در کتاب دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری در سال ۱۳۷۳^{۲۴} و در کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا در سال ۱۳۷۵^{۲۵} جدیدترین و مهم‌ترین دیدگاه‌ها را بیان می کند. او در هر دو کتاب، بر مختصات حلقه‌های علمی جریان‌ها و شط‌های فکری اندیشه‌ورزان جغرافیای گذشته و تازه سده اخیر جهان علم و بر سیر مشخص دیدگاه‌ها و شیوه‌های فکری جغرافیا به طرز بدیعی به اجمال نظر می افکند، به نرمی «بند قبای غنچه» اندیشه‌ها را می گشاید و جای سزاوار آن‌ها را در پژوهش و تفسیر چشم انداز جغرافیایی بیان می کند.

شکویی بی تردید جزو نوآورترین مردان جغرافیای معاصر کشور ماست. بررسی اثرگذاری او بر روند جغرافیای کشور، سینه و صفحه فراخ تری می خواهد. کار شکویی در تلاش او برای آشنایی، رهیابی و دستیابی به بنیاد و حاصل اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در حوزه‌های برنزای جغرافیایی، به قصد نوسازی، تحرک و پویا و بارورتر ساختن هویت جغرافیای خودی و همچنین تعمیق تجدد در

حوزه جغرافیایی درون‌زا و کاربرد آن در برنامه‌ریزی‌های جامع و متناسب کشور و در خدمت‌گزاری به مردم خلاصه می‌شود. در این انتقال، وی آن دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی را برمی‌گزیند که بتوانند مسائل جغرافیایی جهان سوم و کشور ما را توضیح دهند.

«در تألیف کتاب دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، از همه تحولات علم جغرافیا تا اوایل سال ۱۹۹۳ استفاده شده است و ۹۰ درصد مطالب آن برای اولین بار منتشر می‌شوند. این مطالب می‌توانند مسیر تازه‌ای برای تألیف و تحقیق جغرافیایی، به ویژه جغرافیای شهری بگشایند و امید و نیرویی ایجاد کنند که بر آینده علم جغرافیا در کشور ما تأثیر مثبت بگذارند. از این رو در تألیف این کتاب سعی شده است، بیش‌تر نظریه‌های اجتماعی و اقتصادی با توجه به ساخت‌های شهری مطرح شوند؛ البته طرح این نظریه‌ها دلیل بر پذیرش همه آن‌ها نیست، بلکه هدف این است که همه این نظریه‌ها و اندیشه‌های اجتماعی - اقتصادی مورد بحث و تحلیل قرار گیرند. با وجود این در اغلب موارد، برای تطبیق این نظریه‌ها با شرایط حاکم بر جهان سوم، کوشش شده است که جغرافیای شهری کشورهای جنوب - نه کشورهای اروپایی و امریکایی - تألیف گردد.»^{۲۴}

شکویی منطق جغرافیای شهری را در زمان ما «منطق معرفت به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی نظام حاکم»^{۲۵} می‌داند و معتقد است «در هر تحلیل جغرافیای شهری، به ویژه در زمینه کارکرد مثبت و منفی نیروهای اجتماعی که شهر نمودی از آن‌ها به شمار می‌آید، باید از آرا و اندیشه‌های علمای جغرافیا، فلسفه سیاسی، اقتصاد توسعه و جامعه‌شناسی بهره‌مند شویم و میان رشته‌ای بودن جغرافیای شهری را مورد تأکید قرار دهیم؛ این امر در صورتی حاصل می‌شود که در تحلیل مباحث جغرافیای شهری نظریه‌های اجتماعی اقتصاد سیاسی و توسعه را محور اصلی قرار دهیم. شاید تنها از این طریق است که می‌توان به اندیشه‌های کلیدی در جغرافیا دست یافت و علم جغرافیا را زنده و پویا ساخت.»^{۲۶}

کتاب دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، ۱۲ فصل مکمل هم دارد که پیروی از مضمون آن‌ها، محتوایی جدید و عمق بیشتری به آموزش، مطالعات و پژوهش‌های جغرافیایی ایران و کاربرد آن‌ها خواهد داد.

شکویی در کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا که در آن آخرین تحولات فلسفه جغرافیا و فراز و فرود همه دیدگاه‌های جغرافیایی، بدون یک سو‌نگری و با صداقت تمام نشان داده شده‌اند،^{۲۷} ما را در متن جریان «عصر طلایی اندیشه در جغرافیای زمان»^{۲۸} قرار می‌دهد. در این کتاب، در تحلیل پدیده‌های جغرافیایی، نظریه‌های اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیکی نظام حاکم، به شدت به کار گرفته شده‌اند. امروزه در منطق جغرافیایی، عوامل فوق‌جایگاه استواری یافته‌اند. اعتقاد عمیق من این است که ناتوانی و ضعف منطق جغرافیایی در پاسخگویی به شرایط ویرانگر فضا‌های جغرافیایی، حاصل عدم توجه به این قبیل مفاهیم بوده است. لذا جغرافیدان جهان سومی، باید با تکیه بر مفاهیمی کلیدی نظیر: تأثیرات ایدئولوژیکی نظام حاکم، موضوع قدرت، تحلیل تصمیم‌گیری‌های سیاسی، امر بازساخت، اقتصاد کلان، عدالت اجتماعی، عامل

زمان، ژئوپلیتیک سرمایه، اقتصاد سیاسی و ساختار جامعه^{۲۹}، به تحلیل فضای جغرافیایی بپردازد؛ زیرا همسویی با این مفاهیم، ما را با تشابهات و تضادهای نواحی جغرافیایی، عمیقاً آشنا می‌سازد و هر فضای جغرافیایی را به صورت نمادی از عملکردهای نظام‌های سیاسی و اقتصادی به نمایش می‌گذارد. به سخن روشن‌تر، شکل‌دهی به فضاها و سیر تکوینی پدیده‌های جغرافیایی، همواره از اندیشه‌های سیاسی - اقتصادی تأثیر می‌پذیرند. از این رو، شرایط زمان ما حکم می‌کند که هر جغرافیدان جهان سومی، در آثار و تحقیقات جغرافیایی خود، ابتدا روی موضوع زیر بیندیشد:

«چه نوع جغرافیا؟ برای چه زمانی؟ جهت کدام ملت؟...»^{۳۰}

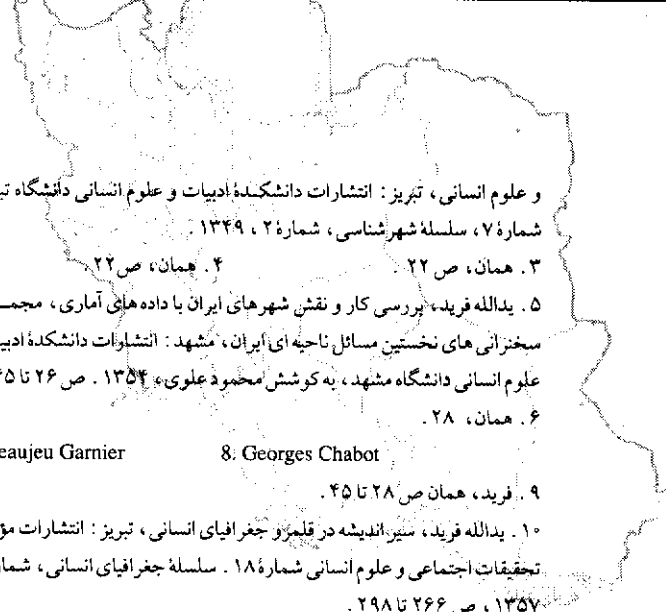
شکویی این سخن را از اعتقاد به تازه شدن و تغییر در جغرافیای کشور ما و از دردی که از جغرافیای این کشور به طور اعم و نه اخص در دل دارد، بارها و بارها تکرار می‌کند: «بالندگی علم جغرافیا و تفکرات جغرافیایی، با به‌کارگیری اقتصاد سیاسی، عدالت اجتماعی، تحلیل نقش قوانین و فضیلت اخلاقی امکان‌پذیر است. جغرافیا در جوامع دانشمدر جهان، در چنین مسیری به شکوفایی و بالندگی رسیده است و در کشور ما خنثی بودن نوشته‌های جغرافیایی، ناشی از عدم به‌کارگیری این مفاهیم است.»^{۳۱}

اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، در هشت فصل، نوبه نو تدوین یافته است و تنها عزم و دقت در فهم و کاربرد آن‌ها توسط پژوهشگران و آموزندگان جغرافیا، رنج استاد را بر او گوارا و هموار خواهد کرد. دکتر فرید نیز در مقاله «نگرش‌های نوین در بستر جغرافیای شهری (۱۳۷۳)»^{۳۲}، معتقد است که: «جغرافیدانان پیش‌تاز، ساختار مناسبات اجتماعی - فضایی را تحت تأثیر تئوری‌ها و ایدئولوژی‌ها مورد بحث قرار می‌دهند و فضای شهری را نتیجه مناسبات اجتماعی می‌دانند و بدون در نظر گرفتن بازتاب عملکرد جامعه بر فضا، آن را مورد مطالعه قرار نمی‌دهند. چرا که شهر، فضای زیست‌انسان‌ها و مبین شکل و محتوای زندگی آن‌هاست و اشکال فضایی، خود تعیین‌کننده نوع و شکل روابط اجتماعی هستند»^{۳۳}. در مطالعات شهری، تحلیل روابطی که بین فضا و انباشت و مبارزه طبقاتی و بالاخره تغییر در چشم‌انداز جغرافیا وجود دارد، ضروری می‌نماید.»^{۳۴}

بسیاری از مفاهیم و مباحث کتاب «تحلیل جغرافیایی»^{۳۵} در قلمرو روش تحلیل جغرافیای شهری قرار می‌گیرند و از این رو می‌توان آن‌ها را جزو مبانی نظری مطالعات و تحقیقات شهری نیز محسوب کرد. همین مقام را کتاب «جغرافیای نو»^{۳۶} در روش‌شناسی جغرافیا که شامل جغرافیای شهری نیز می‌شود، داراست و مضمون‌های نویی را مطرح می‌سازد. در ادامه، کتاب‌ها و مقالات جغرافیای شهری، که درباره مکتب‌ها (دیدگاه‌ها یا شیوه‌های نگرش)، نظریه‌ها، مدل‌ها و روش‌های میدانی جغرافیای شهری هستند، مورد اشاره قرار می‌گیرند.

زیورنوس

۱. حسین شکویی، فلسفه جغرافیا، انتشارات دانشگاه آذربایجان، شماره ۱۳۴، چاپ دوم، سال ۱۳۵۳ (چاپ اول ۱۳۴۹).
۲. یدالله فرید، مقدمه‌ای بر روش تحقیق شهرهای ایران، مؤسسه تحقیقات اجتماعی



و علوم انسانی، تبریز: انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۷، سلسله شهرشناسی، شماره ۲، ۱۳۴۹.

۳. همان، ص ۲۲. ۴. همان، ص ۲۲.

۵. یدالله فرید، بررسی کار و نقش شهرهای ایران با داده های آماری، مجموعه سخنرانی های نخستین مسائل ناحیه ای ایران، مشهد: انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، به کوشش محمود علوی، ۱۳۵۴. ص ۲۶ تا ۴۵.

۶. همان، ۲۸.

7. Beaujeu Garnier 8. Georges Chabot

۹. فرید، همان ص ۲۸ تا ۴۵.

۱۰. یدالله فرید، سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی، تبریز: انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی شماره ۱۸. سلسله جغرافیای انسانی، شماره ۴، ۱۳۵۷، ص ۲۶۶ تا ۲۹۸.

11. Pierre George 12. فرید، همان، ص ۳۰۱ تا ۳۵۶. ۱۳. همان، ص ۳۲۸ تا ۳۲۸.

14. Geographische Stadtforschung 15. Stadt 16. Städtischer Verdichtungsraum.

۱۷. در این موارد درک:

Heinz Heineberg (1989): Stadtgeographie. 2. Auflage. Ferdinand Schöningh. Paderborn. München. S.1.

۱۸. زهره هادیانی، نگاهی بر جایگاه جغرافیای نظریه ای در شهرشناسی جغرافیای ایران، مورد زاهدان، رشد آموزش جغرافیا، سال ۱۰، شماره ۴، بهار ۱۳۷۵، ص ۵۸ تا ۵۸.

۱۹. همان، ص ۵۱ و ۵۲. ۲۰. همان، ص ۵۲.

۲۱. فیلیسین شانه، شناخت روش علوم یا فلسفه علمی، ترجمه یحیی مهدوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۰۳۲، ۱۳۴۴.

۲۲. جعفر مهاد و پروین کجوری، روش تحقیق، تهران: انتشارات کانون تربیت، ۱۳۶۱، ص ۸۶. نقل از حسین شکویی، سیر اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا (کلمه اول)، ص ۴۰.

۲۳. محمدعلی خنجی، اهمیت تئوری و کاربرد آن در بررسی تاریخ تحولات اجتماعی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۸۲-۸۱، تهران: خرداد و تیر ۱۳۷۳، ص ۵۳ تا ۵۹.

۲۴. حسین شکویی، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت)، ۱۳۷۳.

۲۵. حسین شکویی، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۷۵.

۲۶. همان، ص ۳. ۲۷. همان، ص ۲ و ۳.

۲۸. همان، ص ۲. ۲۹. همان، ص ۱۰.

۳۰. همان، ص ۲۰۷.

۳۱. همان، ص ۲۰۷.

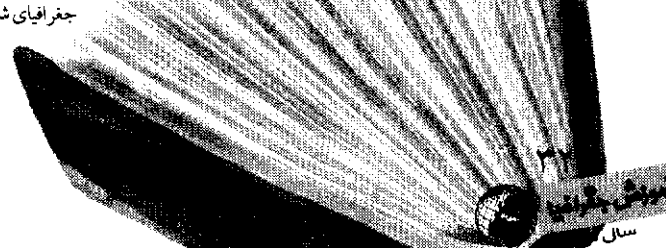
۳۲. همان، ص ۹ و ۱۰.

۳۳. همان، ص ۱۶۱.

۳۴. یدالله فرید:

نگرش های نوین در بستر

جغرافیای شهری،



فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲، سال نهم، تابستان ۱۳۷۳، ص ۵ تا ۱۴.

۳۵. همان، ص ۶. ۳۶. همان، ص ۷.

۳۷. اولیویه دو الفوس، تحلیل جغرافیایی، ترجمه دکتر سیروس سهامی، مشهد: نشر نیکا، ۱۳۷۰.

۳۸. پل کلاوال، جغرافیای نو، ترجمه دکتر میرویس سهامی، مشهد: ناشر مترجم، سازمان چاپ مشهد، ۱۳۷۳.

منابع

۱. حسین شکویی، نظریه های جغرافیایی و برنامه ریزی در تبیین مسائل شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، سال ۹، شماره مسلسل ۳۲، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۶ تا ۱۶.

۲. زهره هادیانی، نگاهی به جایگاه جغرافیای نظریه ای در شهرشناسی جغرافیای ایران، مورد زاهدان، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۴، سال ۱۰، بهار ۱۳۷۵، ص ۵۸ تا ۵۸.

۳. حسین شکویی، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۴. همان، ص ۲۵۹ تا ۲۶۶.

۵. همان، ص ۱۲۷ تا ۱۳۱.

۶. حسین شکویی، تحلیل اکولوژیک و فلسفه جغرافیا، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲۳، سال ششم، پائیز ۱۳۶۹، ص ۴ تا ۶.

۷. حسین شکویی، جغرافیای اجتماعی شهرها؛ اکولوژی اجتماعی شهر، انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تیرماه ۱۳۶۵.

۸. در ایدل آلسدیر و اج بلیک جرالذ، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دکتر دره میرحیدر (مهاجرانی)، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی تهران، ۱۳۶۹.

۹. حسین شکویی، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۱۰. همان، ص ۱۳۲ تا ۱۳۴.

۱۱. همان، ص ۱۱۴ تا ۱۱۹.

۱۲. فاطمه بهروز، بررسی های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری و جغرافیای انسانی معاصر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، سال ۶، بهار ۱۳۷۰، ص ۳۱ تا ۷۰.

۱۳. فرانتس شافر: درباره مفهوم جغرافیای اجتماعی، ترجمه عباس سعیدی، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۸، سال ۵، تابستان ۱۳۶۸، ص ۷ تا ۷.

۱۴. احمد پوراحمد، بررسی تحولات کارکردی بازار کرمان، پایان نامه دوره دکتری جغرافیای انسانی (گرایش شهری)، به راهنمایی دکتر حسین شکویی، گروه جغرافیای دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱.

۱۵. عباس سعیدی رضوانی، جغرافیای سرزمین های اسلامی: بینش اسلامی و مناظر جغرافیایی (۱)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲، سال ۲، پائیز ۱۳۶۶، ص ۵ تا ۵۷.

۱۶. بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی (۲)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳، سال ۲، زمستان ۱۳۶۶، ص ۵ تا ۳۶.

۱۷. بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی (۳)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴، سال ۲، بهار ۱۳۶۷، ص ۷ تا ۴۴.

۱۸. بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی (۴)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، سال ۳، تابستان ۱۳۶۷، ص ۵ تا ۱۵.

۱۹. بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی (۵)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲، سال ۳، پائیز ۱۳۶۷، ص ۵ تا ۲۰.

۲۰. بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی (۶)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳، سال ۳، زمستان ۱۳۶۷، ص ۵ تا ۴۴.

۲۱. بینش اسلامی، نمونه شهرک حضرت ابوالفضل (ع)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، سال ۶، بهار ۱۳۷۰، ص ۱۱ تا ۳۰.

منابع مکتب‌ها (دیدگاه‌ها) و نظریه‌ها در جغرافیای شهری

- | نویسنده | نام مکتب یا دیدگاه (شیوه نگرش) |
|---|--|
| حسین شکویی ^۱ | نظریه‌های جغرافیایی و برنامه‌ریزی در تبیین مسائل شهری |
| زهره هادیانی ^۲ | جغرافیای نظریه‌ای در شهرشناسی جغرافیایی |
| حسین شکویی ^۳ | مکتب ساختارگرایی و جغرافیای شهری |
| حسین شکویی ^۴ | مکتب‌های مرفولوژی شهری |
| حسین شکویی ^۵ | مکتب اکولوژی شهری (تحلیل اکولوژیک) |
| حسین شکویی ^۶ | جغرافیای اجتماعی و شهر |
| درایدل آلاسدر ^۸ | جغرافیای سیاسی و شهر |
| حسین شکویی ^۹ | مکتب نئو اکولوژیک و جغرافیای شهری |
| حسین شکویی ^{۱۰} | مکتب اکولوژی فرهنگی و جغرافیای شهری |
| حسین شکویی ^{۱۱} | مکتب روش‌های کمی و جغرافیای شهری |
| فاطمه بهفروز ^{۱۲} | دیدگاه جغرافیای رفتاری و شهر |
| فرانس شافر ^{۱۳} و احمد پوراحمد ^{۱۴} | دیدگاه کارکردگرایی و شهر |
| عباس سعیدی رضوانی ^{۱۵} | دیدگاه (ایدئولوژی) اسلامی و شهر |
| حسین شکویی ^{۱۶} | دیدگاه (ایدئولوژی) اسلامی و مرفولوژی شهری |
| مصطفی مؤمنی ^{۱۷} | دیدگاه جغرافیای فرهنگی (تکوین پژوهشی) و شهر |
| مصطفی مؤمنی ^{۱۸} | دیدگاه جغرافیای جهان‌بینی و شهر |
| محمدحسین پاپلی یزدی ^{۱۹} | دیدگاه جغرافیای جهان‌بینی و شهر |
| محمدعلی احمدیان ^{۲۰} | دیدگاه شهر و شهرنشینی ابن‌خلدون |
| یدالله فرید ^{۲۱} | نظریه‌های ساختار اکولوژیکی شهرها |
| حسین شکویی ^{۲۲} | نظریه ساختار اکولوژیک شهر |
| یدالله فرید ^{۲۳} | نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر |
| حسین شکویی ^{۲۴} | نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر |
| فاطمه بهفروز ^{۲۵} | تکامل نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر |
| یدالله فرید ^{۲۶} | نظریه آگوست لاش و سلسله مراتب شهری |
| حسین شکویی ^{۲۷} | نظریه‌های مربوط به پیدایش نخستین شهرها |
| حسین شکویی ^{۲۸} | نظریه هیدرولیک و مازاد نظریه اقتصادی یا رشد بازارها، نظریه دفاعی و نظریه مذهبی |
| حسین شکویی ^{۲۹} | نظریه اجتماعی و شهرگرایی |
| حسین شکویی ^{۳۰} | نظریه‌های جوهری در جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری |
| حسین شکویی ^{۳۱} | نظریه‌های تبیینی در جغرافیای شهری |
| | نظریه‌ها درباره روابط شهر و روستا (دنيس راندینلی، فون تونین، گاری، ل گاملی، تیم آنوین) |
-
۱۶. حسین شکویی، همان، ص ۱۸۴ تا ۱۹۵.
۱۷. مصطفی مؤمنی، ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهر دولت آباد ملایر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲، سال ۱، پائیز ۱۳۶۵، ص ۱۱ تا ۵۹.
۱۸. جایگاه وقف و وقفنامه در ساختارشناسی فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهرها و روستاهای ایران، مجموعه مقالات سمینار جغرافی، شماره ۳، مشهد، ۱۳۶۵، ص ۲۵ تا ۹۹.
۱۹. جغرافیای جهان‌بینی و وقفنامه رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله بانی مجتمع‌های وقفی (قسمت اول)، وقف میراث جاویدان، شماره ۳، سال اول، پائیز ۱۳۷۲، ص ۳۰ تا ۳۷.
۲۰. جغرافیای جهان‌بینی و وقفنامه رشیدی، شهرستان رشیدی (قسمت دوم)، وقف میراث جاویدان، شماره ۴، سال اول، زمستان ۱۳۷۲، ص ۵۲ تا ۵۸.
۲۱. محمد حسین پاپلی یزدی، نامگذاری کوچه‌ها و خیابان‌ها در تهران دیروز و امروز (زبان فرانسه)، ترجمه ابوالحسن سرورقد مقدم، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲، سال ۹، تابستان ۱۳۷۳، ص ۴۷ تا ۶۲.
۲۲. محمدعلی احمدیان، شهر و شهرنشینی از دیدگاه ابن‌خلدون، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴، سال ۲۵، زمستان ۱۳۷۱، ص ۱۰۸۱ تا ۱۱۱۳.
۲۳. یدالله فرید، جغرافیا و شهرشناسی، تبریز: شماره ۳۰۰، ۱۳۶۸، ص ۱۳۷ تا ۱۵۸.
۲۴. حسین شکویی، همان، ص ۵۰۹ تا ۵۴۰.
۲۵. یدالله فرید، همان، ص ۵۰۳ تا ۵۳۰.
۲۶. حسین شکویی، همان، ص ۳۷۹ تا ۳۹۶.
۲۷. فاطمه بهفروز، تکامل تئوری مکان مرکزی، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۳، سال ۱، پائیز ۱۳۶۴، ص ۲۰ تا ۲۳.
۲۸. یدالله فرید، همان، ص ۵۱۸ تا ۵۳۰.
۲۹. حسین شکویی، بررسی نظریه‌های مربوط به پیدایش نخستین شهرها، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۶، سال ۴، زمستان ۱۳۶۷، ص ۲۴ تا ۲۶.
۳۰. حسین شکویی، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، ص ۱۳۷ تا ۱۴۷.
۳۱. حسین شکویی، همان، ص ۴۲۴ تا ۴۲۷.
۳۲. حسین شکویی، همان، ص ۴۲۷ تا ۴۲۸.

